جُنگ کارگری

گروه کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۳۰ خرداد ۱۴۰۴، برابر ۲۰ژوئن ۲۰۲۵ | شماره ۳۲۸ | Iranian Workers Analects – No:328

یادداشت

حمله اسرائیل اسارت آور و ویرانگر یا رهایی بخش

صادق کار

با گذشت یک هفته از حملات سنگین دولت فاشیستی اسرائیل و واکنش ناگریز حکومت به آن این جنگ تا هم اکنون خسارات انسانی و مالی سختی به هر دو کشور و بیشتر از آن به تاسیسات هسته‌ای و نظامی و زیر ساختهای اقتصادی ایران وارد کرده و به بحرانهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی که قبل از شروع جنگ هم وجود داشت و در حال گسترش بود دامن زده است.

دولت اسرائیل و امریکا که قبلا ادعا می کرد هدف اش ممانعت از دستیابی ایران به تسلیحات نظامی است، پس از آنکه رژیم حاکم بر ایران پذیرفت شرایط را برای نظارت بر صلح آمیز ماندن برنامه هسته‌ای خود بپذیر توقع خود را بالا برد و علاوه بر درخواست توقف کامل غنی سازی مسائلی را را پیش کشید، که از نظر رژیم و بسیاری از ناظران پذیرش آنها حکم تسلیم کامل رژیم به امریکا و اسرائیل را داشت. حمله اسرائیل دو روز پیش از دور آخر مذاکرات جمهوری اسلامی و دولت ترامپ که احتمال پذیرش توقف غنی سازی بصورت مشروط از سوی رژیم در آن چندان دور از انتظار نبود، در واقع اقدامی برای جلوگیری از توافق احتمالی ممکن بین طرفین مذاکره بود.

ناتانیاهو که قبل از حمله مخالفت خود را بارها با توافق دولت ترامپ اعلام کرده بود، این بار نیز موفق شد مانند زمان توافق برجام با حمله نظامی و ترور فرماندهان ارشد نظامی و دانشمندان هسته‌ای و عده‌ای از غیر نظامیان ایران مانع از به نتیجه رسیدن توافق بین ایران و امریکا شود و جنگی را تحمیل کند که عاقبت آن برای هیچکس قابل پیشبینی نیست.

هیئت مذاکره کننده رژیم ایران اگر حماقت نمی کرد و در دور پنجم مذاکرات می پذیرفت برای توقف غنی سازی حداقل وارد مذاکره با نمایندگان دولت ترامپ شود، احتمال اینکه بهانه حمله اسرائیل را بگیرد ورسیدگی به بقیه درخواستهای ترامپ را به بعد موکول کند وجود داشت. اگر صنی سازی مشروط را می پذیرفت در آن صورت در تبلیغات جنگی کنونی دست بالا را نسبت به اسرائیل پیدا میکرد. با این احوال وقتی اسرائیل تجاوز را شروع کرد دخالت امریکا در جانبداری از اسرائیل تا اجتناب ناپذیر شد.

در ماهیت تجاوگرانه و جنگ طلب بودن دولتهای امریکا و اسرائیل جای شک و تردید نیست. تجربیات خونبار جنگ های امریکا و متحدین آن در عراق، افغانستان، لیبی و غیره نیز بر کسی پوشیده‌نیست. نسل کشی دولت اسرائیل در غزه که دستکم تا کنون منجر به ۶۰ هزارنفر از مردم اکثرا غیر نظامی شده، در کنار تجاوز این کشور به سوریه و لبنان و جنایاتی که به بهانه "حق دفاع از خود" و نابودی حماس مرتکب شده، غیر قابل انکار است.

جُنگ کارگری

گروه کار کارگری

حزب چپ ایران

جمعه ۳۰ خرداد ۱۴۰۴، برابر ۲۰ژوئن ۲۰۲۵ | شماره ۳۲۸ | Iranian Workers Analects – No:328

با این همه واقعیت آن است که حمله نظامی اسرائیل به ایران و تا حدی به لبنان و سوریه بخشا بواسطه تبلیغات و تحریکات و اقدامات ٤٦ سال گذشته رژیم اسلامی علیه اسرائیل است. نتیجه سیاستهای رژیم علیه رژیم اشغالگر اسرائیل به این کشور فرصت داده است تا اشغال مناطق اشغالی فلسطین را توسعه دهد، شهرکهای یهودی نشین در اراضی اشغالی فلسطینی ها را گسترش دهد و از شناسایی دولت فلسطین برابر قرادادهی بین المللی طفره برود.

دخالت نظامی ایران در سوریه و بدتر از آن تشکیل نیروی شبه نظامی در لبنان نیز در عمل دست اسرائیل را برای تجاوز و مداخله و اشغال بخش هایی از این دو کشور باز کرده است. افزون بر اینها رژیم اسلامی از همان آغاز به قدرت رسیدن خود با کمک به تشکیل سازمانهای ایدولوژیک نزدیک بخود در درون جنبش مردم فلسطین تفرقه ایجاد نموده و عملا جنبش فلسطین را تضعیف و در خدمت دولت اسرائیل عمل نموده است. از سوی دیگر رژیم با برنامه هسته‌ای پر هزینه و کم فایده خود علاوه بر اینکه ثروتهای کلانی را صرف این پروژه بدفرجام که تا کنون جز خسارت نتیجه دیگری برای مردم و کشور بوجود نیاورده کرده‌است، بهانه کافی برای تجاوز اسرائیل و امریکا به کشور ما را فراهم کرده است.

در این میان اما جریانات راست افراطی امثال جریان ارتجاعی استبدادی و وابسته سلطنت که تلاشهایشان برای بازگرداندن رژیم سلطنتی بی نتیجه مانده است، تلاش می کنند با دفاع از تجاوز نظامی دولت فاشیستی و جنایتکار ناتانیاهو رژیم سلطنتی را به قدرت برگردانند.

این تلاشها در شرایطی انجام می گیرد که رژیم اسرائیل ماهیت جنایتکارانه خود در غزه و سایر کشورهای منطقه را با جنایاتی که مرتکب شده نشان داده و منفور مردم جهان است. پیداست رژیمی که در غزه قساوت و بیرحمی خود را به عالم و آدم اثبات کرده و بخشهایی از سرزمینهای کشورهای منطقه را به تصرف خود درآورده و زیر ساختهای دفاعی کشور سوریه را بعد از سقوط اسد نابود کرده است، نمی تواند دوست و نجات بخش مردم ایران از زیر سلطه رژیم ارتجاعی و استبدای منفور فقاهتی شود.

مردم ایران بر خلاف رضا پهلوی تجاوز دولت اسرائیل به کشورشان را نه تنها "فرصتی طلایی" برای رهایی از سلطه رژیم اسلامی نمی دانند، بلکه این تجاوز را تلاشی برای جا بجایی یک رژیم مستبد با رژیمی مستبد و وابسته، که احتمال وقوع جنگ داخلی را در ایران بوجود می آورد تلقی می کنند. به فرض شکست رژیم اسلامی در این جنگ نه تنها آزادی و رفاه و امنیت که جزء خواسته‌های مردم ایران هستند تامین نخواهد شد، بلکه همانطور که در قضیه جنگ اوکراین ملاحظه شد، همه ی درآمدها و منابع کشور بعنوان غرامت جنگی توسط امریکا و اسرائیل به یغما برده خواهد شد.

موضعگیری نهادها، تشکلها و شخصیت سیاسی و هنری و ورزشی مستقل و سایر نهادهای مردمی مترقی نشان می دهد، که آنها هم با تجاوز اسرائیل، جنگ و رژیم استبدادی حاکم بر کشور مخالف هستند و سرنگون کردن رژیم و استقرار دمکراسی و عدالت اجتماعی را وظیفه خود مردم می فهمند.

خرداد ١٤٠٤ ٢٩

نه به جنگ و استبداد آری به صلح و آزادی

تجاوز دولت جنایتکار اسرائیل به ایران را محکوم می کنیم

جُنگ کارگری

گروه کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۳۰ خرداد ۱۴۰۴، برابر ۲۰ژوئن ۲۰۲۵ | شماره ۳۲۸ | Iranian Workers Analects – No:328

حول اندیشه درباره فقر: بررسی تعاملات بخش هشتم

Lyn Squire و لین اسکوایر Ravi Kanbur نوشتهٔ راوی کانبور

رشد، نابرابری و فقر - ادامه 3

با این حال، حتی تغییرات اندک در نابرابری کلی می‌تواند تأثیر چشمگیری بر فقر داشته باشد. برقراری یک فرمول ساده که تغییرات در شاخصهای کلی نابرابری مانند ضریب جینی را به تغییرات در فقر مرتبط کند، بسیار دشوار است. به این ترتیب، ممکن است ضریب جینی افزایش یا کاهش نشان دهد، اما فقر بدون تغییر باقی مانده باشد. این در حالتی است که تغییر در توزیع درآمدها در بالای خط فقر رخ داده باشد. همچنین ممکن است فقر افزایش یا کاهش یابد بدون آن که ضریب جینی تغییری نشان دهد. و این در حالتی است که تغییرات جبرانی مناسب در توزیع درآمد میان افراد غیر فقیر رخ دهد. بنابراین برای بررسی تأثیر نابرابری بر .فقر و فقرا، لازم است تغییر در توزیع درآمد را به صورت دقیقتری مطالعه کنیم

یکی از مشخصه‌هایی که مورد توجه قرار گرفته است، بر این فرض است که منحنی لورنز* با نسبتی ثابت از تفاوت بین سهم واقعی هر گروه درآمدی از کل درآمد و سهم برابر برای همه گروه‌ها جابجا می‌شود. این فرض منجر به محاسبه کشش‌های قابل تحلیل برای "شکاف فقر" نسبت به ضریب جینی می‌شود. با استفاده از خط فقر یک دلار در روز، این کشش ممکن است به اندازه 8,2(در برزیل)، 12,6 (در شیلی) و حتی 21,1 (در تایلند) باشد. با این حال، در کشورهای با درآمد پایینتر ـ و در نتیجه فقر بیشتر ـ این کشش‌ها بسیار کمتر اند: 0,82 (در هند)، 0,76 (در اوگاندا) و 0,40 (در زامبیا). با این حال، تجربه دو کشور اهمیت کاهش پایدار نابرابری در طول زمان را نشان می‌دهد. از اوایل دهه 60 تا اوایل دهه 90 قرن گذشته، ضریب جینی در تایلند سالانه 0,31 واحد افزایش یافت؛ در حالی که در نروژ این شاخص به میزان مشابهی ـ یعنی سالانه 0,34 واحد ـ کاهش یافت. در تایلند، درآمد پایینترین پنجک درآمدی با نرخی برابر با نصف نرخ رشد میانگین درآمد سرانه رشد کرد؛ در حالی که در نروژ، این درآمدها تقریباً 80 درصد سریعتر از میانگین رشد .داشتند

ه بر این، هرچند هیچ شاهدی از وجود پیوند سیستماتیک میان نابرابری و سطح درآمد یا میان نابرابری و نرخ رشد (بر اساس شواهد پیشتر ذکرشده) وجود ندارد، ممکن است رابطه معکوسی میان نابرابری اولیه در یکی از دقیقترین مطالعات اقتصادسنجی در این (Clarke) درآمد یا دارایی و رشد اقتصادی برقرار باشد. کلارک زمینه را انجام داده و به این نتیجه رسیده است که نابرابری اولیه در درآمد تأثیر منفی و معناداری بر رشد

آینده دارد. او نتیجه می‌گیرد که کاهش نابرابری از یک انحراف معیار بالاتر از میانگین به یک انحراف معیار پایین‌تر از میانگین، نرخ رشد بلندمدت را به میزان 1,3 درصد در سال افزایش می‌دهد. در مقابل، پژوهشهای بعدی که از داده‌های مطمئنتری استفاده کرده اند، تأثیر مثبتی برای نابرابری اولیه بر رشد گزارش کرده اند.

بنابراین، با وجودی که شواهد مربوط به نابرابری اولیه درآمد ممکن است متناقض باشند، چندین پژوهشگر و (Birdsall) رابطه محکمی را بین رشد و توزیع اولیه انواع مختلف داراییها یافته اند. برای مثال، بردسال نشان دادند که توزیع اولیه سرمایه انسانی بر رشد آینده تأثیر می‌گذارد، در حالی که (Londono) لوندونو دریافتند که توزیع نابرابر اولیه زمین باعث کاهش رشد در آینده (Squire) و اسکوایر (Deininger) دینینگر می‌شود. یکی از نکاتی که باید در این نوع رگرسیونهای رشد کلان مورد توجه قرار گیرد، امکان وجود (aggregation bias) "سوگیری تجمیع"" است. راوالین نشان داد که این سوگیری می‌تواند بسیار شدید باشد، و مدلی خرد از رشد مصرف در سطح خانوارهای روستایی نشان داد که نابرابری در داراییها اثری به مراتب زیانبارتر بر رشد مصرف دارد. این نتایج نشان می‌دهند که می‌توان سیاستهای بازتوزیعی ای را پیشه کرد که به رشد اقتصادی منجر شوند و از این طریق منافع مضاعفی را برای فقرا به همراه داشته باشند.

* منحنی لورنز رابطهٔ بین درصد انباشتهٔ جمعیت (از فقیرترین به ثروتمندترین) و درصد انباشتهٔ درآمد یا ثروتی را که آن جمعیت در اختیار دارد،

اتحاد رمز پیروزی است!

متحد و متشکل علیه فقر و استبداد برای نان و آزادی!

رهایی ازجنگ و استبداد و رژیم فقاهتی کار خود مردم ایران است و نه غیر

صادق

جُنگ کارگری

گروه کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۳۰ خرداد ۱۴۰۴، برابر ۲۰ژوئن ۲۰۲۵ | شماره ۳۲۸ | Iranian Workers Analects – No:328

به محض شروع جنگ در هفته گذشته اعتراضات خیابانی هفتگی و مستمر بازنشستگان، کارگران صنعت نفت و گاز و سایر کارگران و معلمان متوقف شد و فضای تهدید و ارعاب و بگیر و ببند فعالین مدنی و سیاسی جای آنها را گرفت.مردم با وجود همه‌ی نفرتی که از رژیم مستبد و سرکوبگر دارند، خلاف انتظار ناتانیاهو و رضا پهلوی به دعوت آنها برای دفاع از جنگ ارتجاعی و جنایتکارانه شان بر خلاف هفته ها پیشتر به خیابان نیامدند و بجای آن به دنبال جان پناهی برای خانواده های خود از زیر بمبارانهای وحشیانهو دستگیری های رژیم که می دانستند از حمله اسرائیل برای تصفیه حساب با مبارزین خیابانی بهره خواهد گرفت به شهرهای امن تر پناه بردند تا جانشان را نجات دهند و تن به خواست دشمن متجاوز به کشورشان هم ندهند.

فضای جنگی در هفته های پیش از جنگ هم وجود داشت و آنرا نمی توان عامل فروکش کردن ناگهانی اعتراض ها خیابانی و همراه با آن تشدید اختناق دانست. قبل از جنگ نیز فضای اختناق بر کشور حاکم بود و هر هفته چند فعال و مبارز مدنی و سیاسی بازداشت و محاکمه و محکوم می شدند. اما با وجود آن از تعداد و دامنه اعترت خیابانی نه تنها کاسته نمی شد بلکه روز به روز بیشتر می شد. برای درک قضیه کافی است به گزارشات مربوط به هفته قبل از شروع تجاوز دولت اسرائیل و شروع جنگ بین ایران و آن دولت مراجعه کنیم تا اثرات جنگ را بیشتر درک کنیم.

بلافاصله در همان روزهای اول شروع جنگ و قبل از اینکه اژه‌ای جنایتکار سرکرده دستگاه سرکوبگر قوه قضیه فرمان برخوردفوری و محکومیت اشد مجازات مخالفان را بدهد، بازداشت گسترده فعالین مدنی و سیاسی به بهانه مندرس همکاری و جاسوسی برای فعالین مختلف صادر شد و در روز دوم حمله یک زندانی متهم به "جاسوسی" برای اسرائیل را اعدام کردند.

متعاقب آن تعدادی از زندانیان سیاسی را که سالها پیش محاکمه و محکوم کرده بودند به مکان های نا معلومی منتقل کردند.

وقوع جنگ در واقع علاوه بر تشدید سرکوب و سانسور و قطع مرتب اینترنت، کار و زندگی مردم بسیاری را به شدت تحت تاثیر قرار داد

در حملات اسرائیل بسیاری از ذخایر انرژی، زیر ساختهای اقتصادی و واحد های تولیدی مختلف که ربط مستقیم با پروژه هسته‌ای نداشتند بمباران شدند و قریب ۲ هزار نفر در خلال این حملات زخمی و دستکم ۶۰۰ نفر کشته شدند. بیش از نیمی از قربانیان عملیات جنگی دولت ناتانیاهو شهر وندان غیر نظامی هستند که نه تنها نقشی در برنامه های هسته‌ای رژیم نداشتند، بلکه خیلی از آنها جزء مخالفان رژیم بودند که در حملاتی که به خانه ها و محل های کارشان شد زیر بمب های که اسرائیل بر سرشان ریخت کشته شدند.

در حالی که جنگ علاوه بر مشکلات قبل از جنگ مشکلات تازه‌ای را برای عموم مردم وارد کرده، مصیبتهای جدیدی را نیز بر مشکلات مردم افزوده است و تامین جان شغل و درآمد و معیشت شان را نیز به درجات مختلفی بسته به وضعیت اقتصادی آنها به صورت منفی تحت تاثیر قرار داده است.

خبرهای منتشر شده در این روزها نشان می دهد که پر شدن ظرفیت بیمارستانها باعث شده که بیمارستانها قادر به پذیرش کسانی که در حوادث رانندگی کشته شده‌اند نباشند. وضع دارو نیز از گذشته بدتر شده است. حتی اگر همین امروز نیز جنگ تمام شود با توجه به خساراتی که در جریان بمباران دولت

جُنگ کارگری

گروه کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۳۰ خرداد ۱۴۰۴، برابر ۲۰ژوئن ۲۰۲۵ | شماره ۳۲۸ | Iranian Workers Analects – No:328

متجاوز اسرائیل به زیر ساخت و ذخیره ها و ظرفیتهای محدود انرژی در شهرهای مختلف وارد شده و افلاس اقتصادی حاکم بر کشور وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم یقینا بیشتر از پیش خواهد شد و از این به بعد بخش بزرگی از درآمدهای کشور (اگر جای برای کسب درآم باقی گذاشته شود) خرج ترمیم و بازسازی زیر ساختها تخریب شده خواهد شد.

اگر حملات آنطور که شایع است باعث نشت مواد رادیو آکتیو شود از لحاظ آلودگی محیط زیستی که بوجود می آورد برای محیط زیست ایران فاجعه‌ای را رقم خواهد زد که جبران آن ممکن است ده‌ها سال طول بکشد. بنا براین آنطور که دستگاه های تبلیغاتی و عوامل حکومت های دسته راستی ناتانیاهو و ترامپ سعی می کنند تجاوز به ایران را به عنوان یک جنگ رهایی بخش به مردم بفروشند، نه موجب نجات آزادی مردم ایران و نه رفاه و اسایش آنها خواهد شد.

تجربه همین یک هفته جنگ که در صورت تداوم فجایع بیشتری را برای مردم به دنبال خواهد داشت فکر می کنم برای درک این واقعیت تلخ به قدر لازم آموزنده باشد. بهمین جهت برای پایان دادن به این جنگ تحمیلی لازم است علیه آن وجهت برقراری صلح عادلانه و آزادی تلاش و مبارزه کرد و با تشکیل کمیته های همیاری و ایجاد همبستگی در جامعه به یاری آسیب دیدگان از جنگ و مبارزه با رژیم استبدادی اسلامی شتافت و از یاد نبرد که بوجود آوردن آزادی و دمکراسی در هر کشوری تنها با مبارزه و تلاش مردم آن کشور است که میسر می شود و امکان پیروزی و نهادینه شدن دارد. هیچ قدرت مستبد و تجاوزگر خارجی برای استقرار دمکراسی در کشور دیگری جنگ به راه نمی اندازد وهزینه نمی کند مگر آنکه بتواند چند برابر آن را پس بگیرد.

استقرار آزادی و عدالت اجتماعی کار خود مردم ایران است و شرط لازم برای فراهم کردن آن سرنگون کردن رژیم اسلامی به دست خود مردم ایران و بدون هر نوع دخالت و تجاوز نظامی است. مردم کشور ما درطول تاریخ معاصر خود بارها نشان داده‌اند که استعداد و توانایی کافی برای برانداختن بساط رژیم های دیکتاتوری مختلف را داشته و دارند و هر جا که موقتا در این راه با شکست مواجه شده‌اند، دلیل اش دخالت و همدستی و تبانی رژیم های دیکتاتوری با قدرت های استعمارگر خارجی بوده است. جنبش زن، زندگی، آزادی متاخرترین این جنبش ها است که همچنان الهام بخش مردم ما برای سرنگون کردن رژیم استبدادی، مرتجع و سرکوبگر اسلامی است. پیش از آنکه ترامپ و ناتانیاهو بتوانند با انجام جنگ و کودتا از انقلاب مردم ما جلوگیری کنند خودمان باید با تلفیق مبارزه علیه جنگ و استبداد همت کنیم خود را از شر مستبدان حاکم و مغلوب و دشمنان متجاوز خارجی رها سازیم تا از چاله به چاه نیفتیم.

خرداد ۲۹ ۱٤۰٤

کمیته‌های اعتصاب را در کارخانه‌ها و ادارات تشکیل دهیم!

اتحاد، اعتراض، نبرد تا رهایی!

از مبارزه زنان علیه تبعیضات جنسی و برای برابری حمایت کنیم!

جُنگ کارگری

گروه کارگری

حزب چپ ایران

جمعه ۳۰ خرداد ۱۴۰۴، برابر ۲۰ژوئن ۲۰۲۵ | شماره ۳۲۸ | Iranian Workers Analects – No:328

«بیانیه مشترک تشکل‌های کارگری و اجتماعی در مخالفت با جنگ و شرایط پرخطر و بحرانی کنونی

کشاکش نظامی میان دو دولت فاشیست اسرائیل و جمهوری اسلامی ادامه دارد. جنگی که تا این لحظه بیش از هزار کشته و مصدوم در هر دوسو به جا گذاشته؛ میلیونها نفر را آواره کرده و شرایط بحرانی برای همه‌ی مردم به خصوص برای آسیب پذیرترین اقشار جامعه، کودکان و سالمندان ایجاد کرده است. در یک کلام، جامعه به لبه پرتگاهی خطرناک‌تر از همیشه کشانده شده است.

ما بارها و بارها فریاد زدیم و گفتیم":

نه جنگ میخوایم نه کشتار، رفاه میخوایم ماندگار» اما حکومت با تداوم جنگ افروزیهایش و به طمع » دستیابی به تسلیحات کشتارجمعی از جمله سلاحهای هسته‌ای، برای ادامه‌ی سیاست «به دریا ریختن اسرائیل» و جنگ با «شیطان بزرگ آمریکا» این شرایط «جهنمی» را ایجاد و به جامعه تحمیل نموده است."

جامعه به شدت ملتهب و در خطر است. شرایط کنونی از موضوع فقر و بی تامینی فراتر رفته و به بحرانی تمام عیار تبدیل شده است.

جنگی که در روز اول با شعار نابودی سران سپاه و قرارگاه خاتم و دیگر سران شروع شد امروز در یک کشاکش نظامی، وارد مرحله‌ی خطرناکتری شده است. تا جاییکه دولت جنایتکار اسرائیل، وقیحانه تهدید می کند که تهران را به آتش می کشد.

کشتار و حمله به غیر نظامیان از جانب هر دو طرف محکوم است.

مردم جنگ نمیخواهند و ما معتقدیم برای توقف این جنگ، باید زمینه ها و زیر ساخت هایی که مسبب آن بوده است، از بین برود. از همین رو ما امضا کنندگان این بیانیه اعلام می کنیم:

ما، مردم، سلاح های کشتارجمعی و سلاح هسته‌ای نمیخواهیم، هر فعالیت هسته ای جمهوری اسلامی را خطرناک و به ضرر مردم می دانیم.

همه اینها با چپاول زندگی و معیشت ما مردم برپا شده است و پیامدهای آن گسترش فقر و ناامنی بیشتر در جامعه و منطقه بوده است. خواست ما قطع همه این پروژه ها و پایان جنگ است.

ما مردم فقر نمی خواهیم، بی تامینی نمی خواهیم، اینهمه تبعیض و ستم و استثمار را نمی خواهیم. پاسخ ما به این اوضاع اسفبار و هولناک و راه حل ما برای نجات جان انسانها، ادامه پیروزمندانه

انقلابمان است. ما مردم اجازه نخواهیم داد که به بهانه جنگ، مطالباتمان را سرکوب و مسیر پیشروی ما را سد کنند و در سایه‌ی جنگ دستگیر ی ها و سرکوب ها را شدت دهند و با اتهاماتی نظیر "جاسوس اسرائیل" بساط کشتار و اعدام را گسترش دهند.

ما کارگران ، بازنشستگان، معلمان، رانندگان کامیون، پرستاران، نانوایان، مزدبگیران، کشاورزان و بخش های مختلف مردم برای رفاه و معیشت وآزادی جنگیده ایم و در ادامه اعتراضاتمان و در شرایط خطیری که در آن قرار گرفته‌ایم پیگیر مطالبات خود بوده و متحدانه علیه جنگ و جنگ افروزان می‌ایستیم.

چاره‌ی کار ما در این شرایط و در پاسخ به این جنگ افروزی ها، اعتصابات و تجمعات عمومی و سراسری علیه هر گونه ستم و تبعیض و سانسور و سرکوب است.

جنگ و استثمار و فلاکت بس است. این، اخطار آخر ماست.

وقت آن رسیده است در کنار هم دست به کار شویم و متحدانه با جنبش دفاع از زندگی و معیشت، دفاع از آزادی بیان، تشکل، اعتصاب، تجمع، اعتراض و آزادی همه زندانیان سیاسی، در مقابل جنگ افروزان و مرتجعان و تروریست‌ها بایستیم.

سازمانیابی کنیم برای پیشروی مبارزات مان و تحقق مطالبات انسانی مان یک صدا شویم.

ما تا زیر و رو شدن این شرایط فاجعه بار همچنان ایستاده ایم!

نه به جنگ، نه به حکومتهای جنگ افروز

زن، زندگی، آزادی

۱ _انجمن برق و فلز کرمانشاه

۲ _اعدام نکنید

۳ -چالش صنفی معلمان ایران

۴ -دادخواهان

۵_شورای بازنشستگان

۶ -شورای سازماندهی اعتراضات پرستاران

۷ -شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

۸ -شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت(ارکان ثالث)

۹_مدافعان حق کودکی

۱۰ _ندای زنان ایران https://t.me/shoranaf

داود رضوی برای پنج روز به مرخصی آمد

داود رضوی، عضو هیئت‌مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، که در تاریخ ۵ مهر ۱۴۰۱ با یورش مأموران امنیتی بازداشت و به زندان اوین منتقل شده بود، روز جمعه ۳۰ خرداد ۱۴۰۴، به مناسبت مراسم عقد فرزندش، برای مدت پنج روز به مرخصی آمده است و باید روز سه‌شنبه سوم تیرماه به زندان بازگردد.

داود رضوی، ۶۵ ساله، در دوران بازداشت با مشکلات گوارشی و دیگر بیماری‌های جسمی مواجه بوده و با وجود تأکید پزشکان بر لزوم ادامه روند درمان، تاکنون از حق مرخصی درمانی محروم مانده است.

«واکنش خانواده زندانیان فرانسوی به حمله به زندان اوین: «زندانیان در معرض خطر مرگ‌اند

در پی حمله امروز اسرائیل به زندان اوین، خواهر سسیل کوهلر، شهروند فرانسوی محبوس در این زندان، این اقدام را «کاملاً غیرمسئولانه» خواند و هشدار داد که جان زندانیان به‌شدت در معرض خطر است.

نوئمی کوهلر در اظهاراتی تکان‌دهنده گفت: «این واقعاً بدترین اتفاقی است که می‌توانست رخ دهد. ما نمی‌دانیم آنها زنده هستند یا نه.» او از دولت فرانسه خواست با محکوم کردن صریح این حملات، برای نجات و آزادی شهروندان زندانی در ایران اقدام فوری انجام دهد.

شیرین اردکانی، وکیل خانواده کوهلر، نیز در گفت‌وگو با خبرگزاری فرانسه، حمله به زندان اوین را «غیرقانونی» دانست و تأکید کرد: «جان انسان‌ها به بازی گرفته شده؛ هم از سوی اسرائیل و هم جمهوری اسلامی ایران.» این اظهارات در حالی بیان می‌شود که گزارش‌ها حاکی از آسیب شدید به بخش‌هایی از زندان اوین، از جمله بند زنان، است.

صدای زندانیان باشیم

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

پرنیا عباسی؛ معلم و شاعر جوان در حمله هوایی ارتش اسرائیل به یک مجتمع مسکونی در تهران جان باخت

در جریان حمله‌ی هوایی ارتش اسرائیل به یک بلوک مسکونی در محله‌ی ستارخان تهران، پرنیا عباسی، ساله، به همراه همه اعضای خانواده‌اش کشته شد. این ساختمان که گفته می‌شود معلم زبان و شاعر ۲۵ یکی از استادان دانشگاه شهید بهشتی هدف آن بوده، به‌طور کامل فروریخته و تعدادی از ساکنان جان باخته‌اند. تاکنون آمار دقیقی از قربانیان منتشر نشده است.

بیانیه ریحانه انصاری، سکینه پروانه، وریشه مرادی، و گلرخ ایرایی، چهار زندانی سیاسی زن از زندان اوین (https://bepish.org/fa/node/12412)

رهایی ما مردم ایران از دیکتاتوری حاکم بر کشور به همت مبارزه‌ی توده‌ها و با توسل به نیروهای اجتماعی میسر است. نه با دل بستن به قدرت‌های خارجی یا چشم امید داشتن به آنان. قدرت‌هایی که همواره با استثمار و استعمار، با جنگ‌افروزی و کشتار در پی کسب منافع بیشتر، ویرانی را نصیب کشورهای منطقه کرده‌اند برای ما ره‌آوردی جز ویرانی و استثمار نوین نخواهند داشت.

اعتراض کارگران پروژه‌ای نفت یادآوران به دستمزد کم

کارگران پروژه‌ای میدان نفتی یادآوران، خواستار بهبود شرایط مزد و حقوقی خود شدند.

جُنگ کارگری

گروه کار کارگری

حزب چپ ایران

جمعه ۳۰ خرداد ۱۴۰۴، برابر ۲۰ژوئن ۲۰۲۵ | شماره ۳۲۸ | Iranian Workers Analects – No:328

کارگران پروژه‌ای میدان نفتی یادآوران در تماس با خبرنگار ایلنا، با بیان اینکه ما سال هاست به صورت پروژه‌ای کار می‌کنیم و شرایط شغلی ما هیچ زمان بهبود نیافته، نسبت به پایین بودن مزد و حقوق خود اعتراض کردند.

این کارگران گفتند: دستمزدهایمان پایین است؛ طرح طبقه‌بندی برای ما اجرا نمی‌شود و از بسیاری از مزایای مزدی محرومیم؛ با وجود اینکه کار ما بسیار سخت است، دریافتی‌مان نسبت به کارگران رسمی و قراردادی نفت بسیار پایین‌تر است.

یکی از این کارگران که ۱۵ سال به صورت پروژه‌ای در میادین نفتی کار کرده می‌گوید: وظایف کارگران پروژه‌ای نفت و گاز سخت است اما از امنیت شغلی و دستمزد مناسب محروم اند؛ ما انتظار داریم وزارت نفت به وضعیت شغلی و معیشتی کارگران پروژه‌ای رسیدگی نماید.

چاره کارگران وحدت و تشکیلات مستقل است!

همه با هم برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگری متحدانه مبارزه کنیم!

از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!

از مبارزه کارگران قراردادی و پیمانی برای لغو کار پیمانی و قرارداد های اسارتبار موقت حمایت کنیم!

***برای تماس با نشریه "جُنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

***"جُنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

https://bepish.org/taxonomy/term/457